

گذشت اولیای دم پرونده قصاص در گیلان

ره‌نگاران/ معاون قضایی رئیس‌کل دادگستری گیلان در امور شوراهای حل اختلاف از آزادی یک متهم محکوم به قصاص با گذشت اولیای دم پس از ۲ سال خبر داد.

به گزارش [با بگاہ اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#)؛ حجت‌الاسلام سید احمد میرمحمدی از آزادی یک متهم محکوم به قصاص با گذشت اولیای دم پس از ۲ سال خبر داد و با اشاره به تلاش اعضای شعبه ویژه قصاص شورای حل اختلاف استان گیلان، صلح‌یاران و مددکاران اظهار کرد: در اقدامی انسان‌دوستانه و تأثیرگذار، پرونده‌ای مربوط به قصاص، پس از ۲ سال با گذشت اولیای دم بدون اخذ مبلغ دیه به صلح و سازش ختم شد.

وی افزود: فردی که پدر خود را به قتل رسانده بود و به قصاص محکوم شده و مدت ۳ سال بود که در زندان به‌سر می‌برد، طی اقدامات سازشی شعبه ویژه قصاص شورای حل اختلاف استان و با تلاش‌های پیگیرانه اعضای این شعبه، صلح‌یاران و مددکاران، به سازش ختم شد و با گذشت بزرگوارانه ولی دم، از مجازات قصاص رهایی یافت.

معاون قضایی رئیس‌کل دادگستری گیلان تأکید کرد: این پرونده بار دیگر نشان داد که ظرفیت‌های شورای حل اختلاف در حل و فصل پرونده‌های سنگین کیفری، به‌ویژه در موضوعات حساسی همچون قصاص، می‌تواند بسیار کارآمد و اثرگذار باشد.

این موفقیت در راستای ترویج فرهنگ گذشت و سازش در استان گیلان، بار دیگر نقش مؤثر نهادهای حل اختلاف را در کاهش جمعیت کیفری و ایجاد آرامش در جامعه به نمایش گذاشت.

قصاص؛ مجازات قتل پدر پولدار

ره‌نگاران/ پسر جوان که با همدستی دوست دوران دانشجویی‌اش پدر

ثروتمند خود را به قتل رسانده بود، با رأی قضات دادگاه کیفری به قصاص محکوم شد.

به گزارش [پایگاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#)؛ خرداد سال ۱۴۰۳ نگهبان یک برج مسکونی در زعفرانیه در تماس با پلیس اظهار کرد که از خانه یکی از همسایه‌ها بوی تعفن می‌آید. پس از اعزام مأموران به محل و ورود به خانه با جسد پتویچ مرد میانسالی مواجه شدند که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود. در ادامه تحقیقات مشخص شد آخرین کسی که به خانه مقتول ورود داشته، پسرش بوده است. بنابراین وی بازداشت شد و به قتل پدرش با همدستی دوستش اعتراف کرد. با دستگیری دوست متهم و تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در این جلسه همسر مقتول که زنی اروپایی بود به همراه دخترش حضور داشتند. دختر جوان به قاضی گفت: «من و مادرم از مدتی قبل در اروپا زندگی می‌کنیم اما برای شرکت در جلسه دادگاه به ایران آمديم و برای قاتل پدرم درخواست قصاص دارم.»

سپس پسر مقتول به عنوان متهم ردیف اول به جایگاه رفت و گفت: «من پدرم را کشتم چون مهدورالدم بود. من سال‌ها در هندوستان درس خواندم و با دوستم نوید همانجا آشنا شدم، وقتی به ایران برگشتیم، با پدرم اختلاف پیدا کردم و در خانه‌ای جدا زندگی می‌کردم. مادرم گفته بود پدرت، خواهرت را آزار داده است من هم عصبانی شدم و موضوع را به دوستم گفتم؛ ۲ هزار دلار هم به او دادم تا با من همراه شود. وقتی به خانه پدرم رفتیم، نوید دستان پدرم را گرفت و من هم با چاقو ۱۰ ضربه به او زدم و بعد هم یک دستبند و انگشتر طلا و یک دندان شیر که مال خودم بود و ۲ هزار دلار از گاو صندوق پدرم برداشتیم و رفتیم.» پس از آن نوید به جایگاه رفت و گفت: «وقتی دوستم نقشه قتل پدرش را مطرح کرد، چون ما معمولاً کوکابین و ماری‌جوانا مصرف می‌کردیم، فکر کردم شاید تحت تأثیر مواد چنین تصمیمی گرفته است؛ از او خواستم دست نگه دارد، اما او مرا به آنجا برد و پدرش را کشت.»

سپس دختر مقتول به قضات گفت: «هیچ گاه پدرم مرا آزار نداده بود. برادرم مدام مواد مصرف می‌کرد و فقط به دنبال پول و ثروت پدرم بود.»

در پایان جلسه، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند و پسر مقتول را به قصاص و دوستش را به ۲۵ سال حبس محکوم کردند.